



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

[doi https://doi.org/10.22067/pg.2021.69196.1028](https://doi.org/10.22067/pg.2021.69196.1028)

مقاله پژوهشی

واکاوی دلایل توسعه نیافتگی اقتصادی و تأثیر آن بر امنیت جنوب شرق ایران (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)

وحید کیانی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران، نویسنده مسئول)

vkiani@birjand.ac.ir

محسن طاهری (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

arsam.ta.63@gmail.com

صص ۲۵-۱

چکیده

امنیت پدیده‌ای پیچیده است که بر تمامی جوانب زندگی و کشش و واکنش‌های انسان تأثیرگذار است، مطالعه رابطه امنیت و اقتصاد موضوع مهم و ضروری است. منطقه جنوب شرق ایران، با مشکلات امنیتی بسیاری روبرو است، که عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... در این زمینه تأثیرگذار هستند. در این مقاله به دنبال شناسایی عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر امنیت جنوب شرق ایران خصوصاً استان سیستان و بلوچستان است. به نظر می‌رسد، با افزایش سطح توسعه اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی و عمران و آبادانی در این منطقه، می‌توان باعث افزایش سطح امنیت و جلوگیری از بروز بسیاری از ناامنی‌ها گردید. برای نشان دادن این موضوع با استفاده از روش کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی، داده‌های مورد نیاز بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و سایر منابع و تحقیقات مرتبط با آن، گردآوری و سپس ظرفیت و قابلیت‌های توسعه و نیز موارد منجر به عدم توسعه اقتصادی و کاهش امنیت تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، دوری استان سیستان و بلوچستان از مراکز فعال اقتصادی کشور، کم‌رنگ بودن نقش استان در اقتصاد ملی و پایین بودن نرخ تولید خالص در استان، همسایگی با هلال طلائی مواد مخدر و ... فقر و بیکاری را در استان افزایش داده و سبب گرایش مردم و جوانان به سوی اقتصاد پنهان و زیرزمینی شده است، که فساد و در نتیجه کاهش سطح امنیت در آن به خوبی نمایان است. از سوی دیگر فعال شدن ظرفیت‌های تجاری در استان (بندر چابهار و راه‌های تجاری)، تنها محور اقتصادی بالقوه استان نیز شرایط بهره‌وری مطلوب ندارد. بنابراین با ضعف رونق تولید اقتصادی و فعالیت تجاری، فعالیت‌های قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق انرژی، قاچاق کالا، و غیره رشد

قابل توجهی یافته و بخشی از مردم مسیرهای غیرقانونی و کوتاه کسب درآمد را به مسیرهای قانونی ولی طولانی کسب درآمد، ترجیح می‌دهند. موارد مذکور سبب سلب امنیت بخصوص در سطح اقتصادی و در نتیجه توسعه‌نیافتگی استان شده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، امنیت، جنوب شرق، سیستان و بلوچستان.

مقدمه

تقویت توسعه متوازن اجتماعی-اقتصادی، افزایش کیفیت زندگی شهروندان، و شناخت محرومیت‌ها برای توزیع خدمات یکی از اصول مهم توسعه پایدار است (Khmer & Muammari, 2018). نکته قابل تأمل در بررسی دیدگاه‌های پژوهشگران در خصوص سبب‌شناسی توسعه‌نیافتگی، توجه به این واقعیت است که در نگاه هر یک از پژوهشگران، رشد، توسعه و یا انحطاط و پیشرفت با شاخص‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته و از زاویه دید مشترکی برخوردار نبوده‌اند، به‌عنوان مثال برخی انحطاط را نقطه مقابل بازگشت به خویشتن و آن را معادل از خودبیگانگی و برخی دیگر، آن را معادل عقب ماندن از قافله رشد و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دنیای جدید به‌کار برده‌اند (Sadeghi & Saeedi, 2014). از سویی، پدیده توسعه اقتصادی تأثیر بسزایی بر امنیت پایدار دارد. توسعه و امنیت دو مفهوم بسیار بحث‌برانگیز هستند و تعداد قابل توجهی نظریه، پارادایم و استدلال مربوط به توسعه و ایده‌های امنیتی وجود دارد (Karov, 2018). یکی از وجهه‌های توسعه پایدار، توزیع مناسب امکانات و عدالت فضایی است. در بسیاری از متون جغرافیایی، مفهوم عدالت زیست‌محیطی برای توضیح مسئله عدالت مورد استفاده قرار گرفته است که به دلیل استفاده از کلمه محیط، عملکرد لازم را ندارد و از این رو به دلیل ماهیت آمیخته تقاطعی، عدالت فضایی (جغرافیایی) معنایی تر است (Hafiz & Ghaderi Hajat, 2016). عدالت فضایی تالقی فضا، سیاست و عدالت اجتماعی است. این یک جنبه مکانی یا جغرافیایی عدالت، توزیع عادلانه منابع در جامعه را به کار می‌برد که می‌تواند به‌عنوان خروجی یا فرآیند الگوهای جغرافیایی یا توزیع عادلانه یا ناعادلانه تلقی شود یا فرایندی که این موارد را تولید می‌کند (Soja, 2008). عدالت فضایی و توزیع جغرافیایی امکانات و تسهیلات در تمام پهنه جغرافیایی کشور همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و به‌خصوص جغرافیدانان بوده و خواهد بود. آنچه در این میان مهم است، پدیده شکاف مرکز پیرامون و مناطق مرزی و حساس کشور است که معمولاً این نواحی از مدار توسعه کشور عقب‌مانده و کم‌کم دچار نوعی توسعه‌نیافتگی ذاتی و نهادینه می‌شوند. یکی از مناطق جغرافیایی کشور ایران که همواره دچار توسعه نابرابر منطقه‌ای بوده و از بحران عدالت فضایی - جغرافیایی در رنج است منطقه جنوب شرق ایران و به‌خصوص ناحیه سیاسی سیستان و بلوچستان است. بسیاری از صاحب‌نظران مقوله امنیت را دلیل اصلی توسعه‌نیافتگی این مناطق و بسیاری دیگر توسعه‌نیافتگی را دلیل بر ناامنی و کم‌برخورداری این مناطق می‌دانند و به‌تبع با هر یک از این نگاه‌ها راهبردهای متفاوتی برای منطقه مورد نظر

پیشنهاد می‌گردد. اما تحقیق حاضر بر این مبنا است که امنیت و توسعه دو وجهه اصلی برون‌رفت منطقه موردنظر از مشکلات مختلف هستند و باید به‌طور هم‌زمان هر دو مقوله را مدنظر قرار داد. با این تفاسیر پژوهش حاضر در تلاش است تا عوامل مؤثر در عدم توسعه اقتصادی و تأثیر آن بر امنیت پایدار منطقه سیستان و بلوچستان را موردبررسی و ارزیابی قرار دهد تا در نهایت بر اساس این الگو به آسیب‌شناسی عدم توسعه استان سیستان و بلوچستان دست‌یابد. در ادامه سعی خواهد شد تا بر مبنای دیدگاه نظری مدون و همچنین روش توصیفی-تحلیلی پاره‌ای از مهم‌ترین مسائل اقتصادی منطقه موردنظر که مستقیماً در امنیت پایدار دخیل هستند مورد آزمون قرار گیرند.

مبانی نظری تحقیق

توسعه اقتصادی حالتی است که در آن یک جامعه از پیشرفته‌ترین تکنولوژی در فعالیت‌های اقتصادی خود بهره می‌جوید (Sadeghi & Saeedi Aghdam, 2014). رشد و توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی را تعیین می‌کند، یعنی تکامل تدریجی جامعه که شامل بهبود شرایط انسان است. برجسته‌سازی جنبه اجتماعی و فضایی را در توسعه اقتصادی نباید از نظر دور داشت. دستاوردهای اقتصادی زمینه‌هایی را برای بهبود استاندارد زندگی، شرایط مناسب سلامت و بهداشت عمومی، بهبود سیستم آموزشی و توزیع مجدد درآمد در جامعه ایجاد می‌کند (Haller, 2012). توسعه اقتصادی ظرفیت اقتصاد منطقه‌ای را برای ایجاد ثروت برای ساکنان محلی افزایش می‌دهد. این بستگی به استقرار بلوک‌های ساختمانی، نیروی کار، سرمایه مالی، امکانات و تجهیزات، دانش فنی، زمین و سایر منابع فیزیکی و زیرساخت‌های عمومی و خصوصی دارد (Kane, 2004). یکی از مسائل و مباحث مهم در زمینه توسعه اقتصادی در جهان امروز، فقدان الگوی نظری جامع و بهینه برای افزایش اشتغال، گسترش عدالت و تأمین امنیت در راستای تحلیل، تبیین و شناخت واقعیت‌های جامعه و برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف و نیازهای جامعه است. این ضرورت در دهه‌های اخیر، در کشورهای درحال توسعه به شکل یک معضل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی پدیدار گشته است. زیرا چارچوب و الگوی توسعه کشورهای توسعه‌یافته که در دهه‌های اخیر بدون توجه به شرایط متفاوت در کشورهای درحال توسعه بکار گرفته شده است، نه تنها راهگشای مشکل توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها نبوده است بلکه زمینه‌های نامطلوبی برای توسعه اقتصادی-اجتماعی نیز فراهم ساخته و کمبود اشتغال و عدالت اجتماعی و اقتصادی و امنیت اجتماعی را در این کشورها به مخاطره انداخته است. مفهوم امنیت و تبیین آن در علوم مختلف به‌صورت گسترده موردبررسی و کنکاش دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است. به استناد نظریه‌های تبیین‌کننده جامعه نوین و مبحث احساس امنیت شهروندان، جامعه مدرن در ابعاد و وجوه مختلف به‌شدت در حال دگرگونی است و تغییرات و الزامات ناشی از پیشرفت سریع تکنولوژی، یکپارچگی جهان و گستردگی و سرعت ارتباطات، می‌تواند عاملی مؤثر در ایجاد ناامنی باشد (Shiffirin, Schneider, 1977: 74). حوزه تعریف امنیت اجتماعی گسترده است. مفهوم امنیت اجتماعی که توسط بوزان در

سال ۱۹۹۶ به کار برده شد بر حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به عبارتی دیگر با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی وی را شکل می‌دهد. در نظریات بوزان حوزه‌ای از زندگی مورد نظر است که فرد خود را به مفهوم ((ما)) به آن متعلق می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند و هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و احساس همبستگی اعضا ایجاد کند در واقع هویت و امنیت آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد (Buzan, 1996: 35). یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند باعث اختلال در احساس تعلق شود وضعیت اقتصادی جامعه است. به عبارتی دیگر متغیرهای اقتصادی مانند بیکاری، تورم، فقر و غیره می‌تواند با اختلال در احساس تعلق، هویت و امنیت افراد در جامعه را به مخاطره بیندازد. گریفین عنوان می‌دارد «توسعه اقتصادی» عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید به دست می‌آید، اما در کنار آن نهادهای اجتماعی نیز متحول می‌شوند، نگرش‌ها تغییر می‌یابند، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش می‌یابد و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. همچنین ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرایند تولید تغییر می‌کند. توسعه اقتصادی ۲ هدف اصلی دارد: ۱. افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر ۲. ایجاد اشتغال. هر یک از این اهداف با عدالت اجتماعی همسو است. در این راستا و با توجه به مطالبی که عنوان شد، سؤال اصلی مقاله عبارت است از اینکه مسئله توسعه در منطقه جنوب شرق ایران بخصوص توسعه اقتصادی چه تأثیری بر مقوله امنیت در این منطقه داشته است؟

مفهوم امنیت: ایان بلانی تعریف ذیل را از امنیت ارائه کرده است: "امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ" (Buzan, 1999: 26). به طوری که دیده می‌شود این صاحب نظر، امنیت را در رابطه به جنگ تعریف کرده که این تعریف در شرایط امروزی دارای اماوگرهای جدی است. درست است که امنیت بیشتر در رابطه با جنگ معنی پیدا می‌کند اما مواردی نیز وجود دارد که در آن اصلاً جنگی مطرح نیست ولی امنیت به عنوان یک نیاز جدی مطرح است مانند امنیت غذایی و یا امنیت در مقابل بعضی امراض مهلک و غیرقابل علاج که حیات انسان را حتی در امن‌ترین جامعه نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. صاحب نظری دیگری بنام لارونی مارتین در خصوص تعریف امنیت می‌گوید که: "امنیت عبارت از تضمین رفاه آتی است" این تعریف گرچه بر مبنای یک نگرش وسیع‌تری از امنیت صورت گرفته اما اینکه آیا امنیت به خودی خود بتواند باعث تضمین رفاه گردد جای سؤال است. اما در این امر شکی وجود ندارد که امنیت از لازمه‌های رفاه است. جان ئی. مورز می‌گوید که امنیت عبارت از رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش است. همچنین به عقیده آرنولد ولفرز امنیت در معنای عینی آن فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی امنیت عبارت از فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار بگیرد. به همین قسم "دومینیک داوید" نیز تعریفی از امنیت ارائه کرده است که به عقیده وی امنیت عبارت از: "ایجاد فضایی که در آن فرد یا جمعی خودشان را در وضعیت آسیب‌پذیر احساس نمی‌کنند و تهدید متوجه آن‌ها

نیست و فقط ابزار رفع تهدید در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. چنین فضای امنی را می‌توان به کمک سیاست‌های دفاعی و دفاع نظامی ایجاد و یا تقویت کرد (Dominic, 2006:1). همچنین صاحب‌نظری دیگری بنام داریوش آشوری تعریفی که از امنیت ارائه کرده به‌قرار ذیل است: امنیت در لغت عبارت از حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله است که در اصطلاح سیاسی و حقوقی به‌صورت امنیت فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی به‌کاربرده می‌شود (Ashoori, 1997: 38).

ارتباط توسعه اقتصادی با امنیت: در اصل امنیت ملی به شرایطی گفته می‌شود که در آن وحدت، رفاه و روند دموکراتیک ارزش‌ها و اعتقادات، سازوکار حکومت و رفاه و آسایش ملت بهبود یابد و این ارتقای شرایط از طریق منابع اقتصادی، سیاسی و نظامی تأمین شود. به‌عبارت‌دیگر، عدم بهبود مستمر رفاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم و ایالات، به‌عنوان ناامنی و عدم وجود امنیت نام‌گذاری شده است. ناامنی فقط محدود به امور جمعی نیست بلکه بحران‌های عمومی، خشونت‌های قومی - مذهبی و درگیری‌های سیاسی و از سویی بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله را نیز در برمی‌گیرد (Asghari, 2015; Retter, 2020). از سویی مهم‌ترین اثرات اقتصادی امنیت در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. سرمایه‌گذاری نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد و روند شکل‌گیری منبعث از عوامل مختلفی است. محیط امن اقتصادی عامل اساسی رشد اقتصادی و توسعه پایدار در کشورهای درحال توسعه است (Ismail & Esfestani, 2016). هنوز هم، به‌رغم شناخت روابط و تنش‌ها بین حوزه‌های بیوفیزیکی، سیاسی و اقتصادی (Mobjörk & et al, 2010). اغلب بین محققین حوزه توسعه اقتصادی و امنیت پایدار اختلاف وجود دارد (Granit & et al, 2015). در این راستا، فقدان امنیت برای فعالیت اقتصادی، از مفهوم ریسک و عدم اطمینان مجزا است. در شرایط ریسک، فعالان اقتصادی با دو احتمال در حرکت اقتصادی خود روبرو هستند؛ که یکی سود بیشتر و دیگری سود کمتر خواهد داشت. در فضای عدم اطمینان، فعال اقتصادی با بیش از دو گزینه روبروست؛ که هیچ‌کدام از گزینه‌های احتمال موفقیت و شکست در آن‌ها مشخص نیست؛ اما در شرایط ناامنی اوضاع پیچیده‌تر از دو حالت قبلی است. چراکه در این حالت، دولت‌ها در ایجاد کالای عمومی امنیت ناتوان هستند و چشم‌انداز هر فعالیت اقتصادی، تقریباً هیچ سودی را احتمال نمی‌دهد. در این وضعیت، فعالان اقتصادی به مفهوم‌هایی از قبیل خروج سرمایه از کشور و فرار مغزها می‌اندیشند و هر فعال اقتصادی سعی خواهد کرد که سرمایه و کار خود را به مکان‌های امنی منتقل نماید و با تبدیل دارایی‌های خود به پول نقد و دارایی خارجی، هرگونه اثرات ناامنی را به حداقل برساند (Collection of Economic Security Articles, 2008: 54). پدیده ناامنی را می‌توان بر اساس دیدگاه توسعه نامتوازن موردبررسی و تحلیل قرارداد. این دیدگاه بر این اساس استوار است که علل آسیب‌ها و ناهنجاری‌های موجود در جامعه ریشه در ساختارهای جامعه دارد و این ساختارها بر بنیان مناسبات و روابط اجتماعی استوار است. در این مناسبات و روابط موجود، طبق رویکرد توسعه نابرابر، جامعه به قطب مرکز

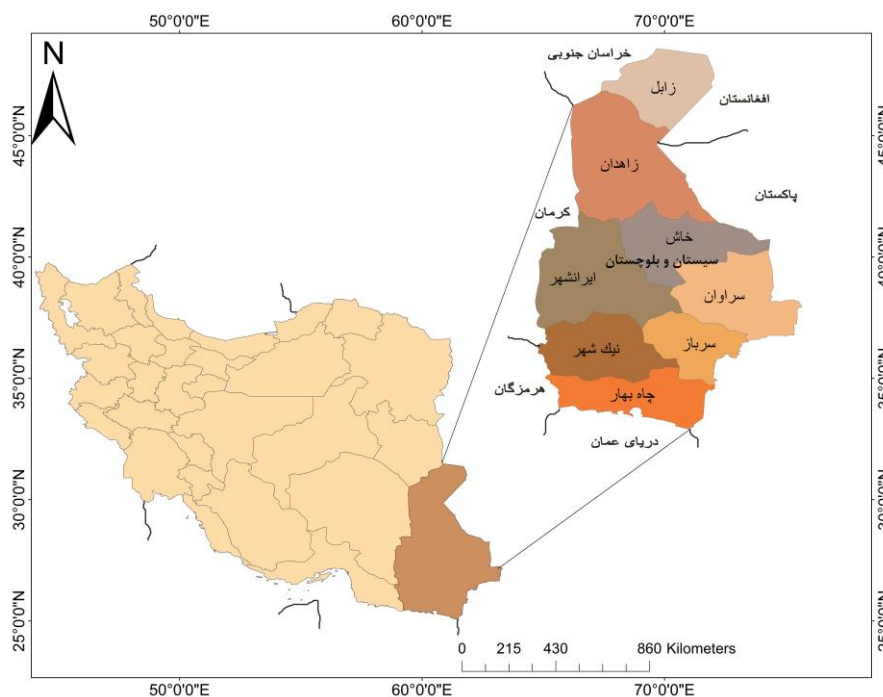
و قطب پیرامون تقسیم می‌شود. قطب مرکز با انحصار تکنولوژی، کنترل مالی، سرمایه‌گذاری‌های عظیم، کنترل سامانه‌ها و غیره منابع اصلی پیشرفت را در اختیار داشته و مناسبات موجود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین قطب پیرامون از بسیاری از منابع و امکانات موجود جامعه بی‌بهره است (Chang, 1996: 650). در نتیجه این محدوده (قطب پیرامون) دچار رشد نابرابر درآمد، بیکاری، فقدان سرمایه، افزایش فقر و درآمد پایین هستند و در مدار محرومیت، به تدریج محروم‌تر می‌شوند. این محرومیت‌های زمینه‌ساز بروز بسیاری از کج‌روی‌ها و معضلات اجتماعی و روی آوردن افراد قطب پیرامون و محروم به سوی فعالیت‌های غیرقانونی، به امید رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی می‌شود که این الگو با توجه به شرایط موجود در منطقه جنوب شرق ایران کاملاً قابل تطبیق با این منطقه است (Foreman, 2001: 26). بنابراین توسعه نابرابر در فضاهای اقتصادی یک سرزمین می‌تواند بستر مناسبی را برای ایجاد متغیرهای اثرگذار بر مؤلفه‌های امنیت و تکوین نواحی بحرانی فراهم نماید. این ساختارها عمدتاً شامل حاشیه کمتر توسعه‌یافته نسبت به مرکز می‌باشند. در ایران نیز چنین ساختاری منجر به برهم خوردن تعادل و توازن منطقه‌ای بین مرکز و پیرامون گردیده است و مهم‌تر آنکه نواحی پیرامونی اکثراً منطبق بر نواحی قومی - مذهبی است. در چنین شرایطی تمایزات افزایش می‌یابد و عامل واگرایی تقویت می‌گردد که منطقه جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان) دقیقاً بر این فرضیه استوار است و علاوه بر اینکه نسبت به مرکز کشور در حالت پیرامونی قرار دارد، دارای مسائل قومی و مذهبی نیز است. لذا با توجه به رهیافت فوق، این مقاله با در نظر گرفتن ارتباط مستقیم میان امنیت و توسعه، به بررسی سطح توسعه‌یافتگی (با رویکرد اقتصادی) منطقه جنوب شرق ایران با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت این منطقه می‌پردازد.

روش و مراحل تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی است. همچنین تحقیق از نوع کاربردی است. گردآوری داده‌ها بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی، بوده و منابع اصلی اطلاعات مورد نیاز، اطلاعات داده‌های خام سالنامه‌های آماری استان سیستان و بلوچستان است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، با استفاده از رویکرد توصیفی به تحلیل و بررسی ظرفیت‌های توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان پرداخته شده است. بررسی این ظرفیت‌های حاکی از جنبه‌های مثبت و قابلیت‌های توسعه اقتصادی استان سیستان و بلوچستان است. توجه به قابلیت‌های بالقوه استان سیستان و بلوچستان و تلاش در راستای توسعه و بالفعل سازی این قابلیت‌ها، امری حائز اهمیت است. با عنایت به تعامل دوجانبه و مستقیم میان مقوله امنیت و توسعه اقتصادی، توسعه اقتصادی و بالفعل شدن ظرفیت‌های بالقوه سرزمین، گام مثبتی در راستای امنیت پایدار این مناطق، بخصوص از رویکرد امنیت اقتصادی است.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران با وسعتی حدود ۱۸۷۵۷۸ کیلومتر مربع، معادل ۱۱/۴ درصد از کل مساحت کشور را تشکیل داده و پهناورترین استان کشور است. این استان از نظر عرض جغرافیایی از ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا را به خود اختصاص داده و به لحاظ طول جغرافیایی بین ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی از نصف النهار مبدأ قرار گرفته است. این استان در شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، در شرق به دریای عمان و بالآخره در مغرب به استان های کرمان و هرمزگان محدود می شود. به طور کلی این استان به لحاظ طبیعی به دو ناحیه جغرافیایی سیستان در شمال و بلوچستان در جنوب قابل تفکیک است (Etesami & et al, 2016).



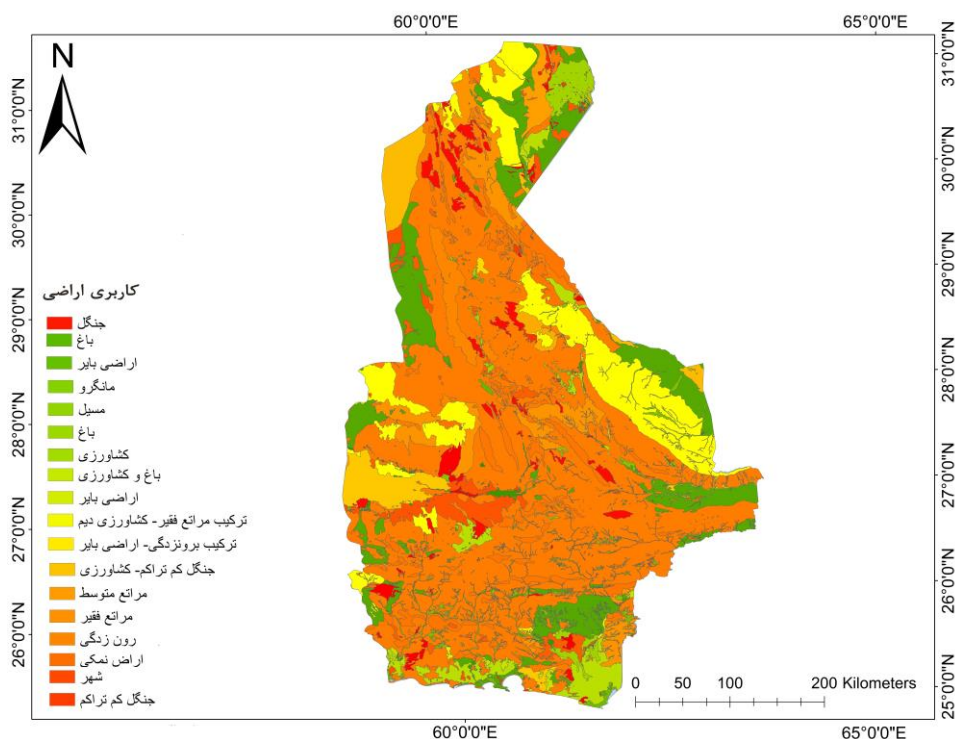
شکل ۱. موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان

یافته های تحقیق

پیشران های اقتصادی مؤثر بر توسعه استان سیستان و بلوچستان

جمهوری اسلامی ایران در استان سیستان و بلوچستان در سال های ۱۳۵۸ الی ۱۴۰۰ فعالیت های عمرانی متعددی را در پهنه ی توسعه در ابعاد مختلف به ویژه زیرساخت ها انجام داده و درصد شاخص های مهم به ویژه شاخص های اقتصادی

استان را نسبت به کشور افزایش داده است. ولی نباید از نظر دور داشت که پراکندگی و گستردگی سرزمین، بی‌سوادگی جمعیت، نرخ بالای بیکاری و ... از مسائل دخیل در وضعیت اقتصادی استان هستند، و فعالیت‌هایی که انجام شده نتوانسته است به بهبود اوضاع با توجه به ظرفیت‌های منطقه کمک کند. نتایج آمارهای منطقه‌ای در سال ۱۳۸۱ محصول ناخالص داخلی استان را برابر ۱۱۰۷۳/۵ میلیارد ریال اعلام داشته که حدود ۱/۱۲ درصد از محصول ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. مقایسه سهم استان در محصول ناخالص داخلی کشور (۱/۱۲ درصد) تا سهم استان در جمعیت کشور (۳/۴ درصد) نشان از ناتوانی ساختار اقتصادی به ویژه اقتصاد رسمی و مشارکت نه‌چندان پرتوان استان در تولید ملی است. از شاخص چگونگی توزیع درآمد (ضریب جینی) نیز این ضریب در نواحی شرقی استان از رقم ۰/۴۳ درصد در سال ۱۳۷۸ به رقم ۱/۰۳ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش داشته و در نواحی روستایی از ۰/۴۵ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۱/۰۱ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است که حاکی از نابرابری توزیع امکانات زندگی در سطح استان است (Statistics of Sistan and Baluchistan Management and Planning Organization, 2012). در این حال، استان دارای ظرفیت‌های مهمی در غالب فرصت‌های اقتصادی است، که عبارت‌اند از: ۱- کشاورزی از مجموعه ۱۸۷ هزار و ۵۰۲ کیلومتر مربع وسعت استان سیستان و بلوچستان، حدود ۱/۱ درصد آن تحت کشت و آیش قرار دارند (شکل ۲).



شکل ۲. کاربری اراضی سیستان و بلوچستان

با توجه به جنس خاک در نواحی مختلف درجه حاصلخیزی آن متفاوت است. لیکن کل ارضی مطالعه شده ۷۲۸ هزار و ۱۵۰ هکتار یعنی ۴ درصد کل مساحت استان است. که از این میزان حدود ۶۶۳ هزار و ۲۹۰ هکتار آن را اراضی درجه ۱ الی ۵ با استعدادهای متفاوت قابل کشت و آبیاری تشکیل می دهند، ولی در عمل تنها ۱۹۶ هزار و ۸۸۱ هکتار آن تحت کشت و بهره برداری قرار می گیرد. در منطقه بلوچستان امکانات بالقوه زیادی وجود دارد. شرایط اقلیمی درخور برای رشد گیاههای ناحیه گرمسیری و گاهی آب و هوای گوناگون، امکان به دست آوردن یک فرآورده در فصلهای مختلف را فراهم نموده است. فرآوردههای کشاورزی شامل گندم، جو، یونجه و برنج است. برنج در اراضی کوهپایه و مسیر رودخانهها از جمله دامن، نیک شهر و سرباز و... که از آب فراوان برخوردارند کشت می شود. در نواحی که فرآورده دو بار برداشت می شود فرآوردهی دوم بیش تر برنج است (برنامه و بودجه، ۱۳۹۵: ۱۰۹). ۲- دام پروری: مجموعه دامهای استان به عنوان اصلی ترین منبع تأمین پروتئین جانوری، شامل گونه های دامها از نظر گوناگونی و شمارش نژادهای گوناگون است. طبق بررسی های انجام پذیرفته در سال ۱۳۷۸ جمعیت دامی استان ۴ میلیون و ۵۳۵ هزار و ۶۵۵ واحد دامی بوده است که با توجه به خشک سالی شدید در سنجش با گذشته، کاهش شدیدی داشته است. همچنین ۹۸ واحد پرورش مرغ گوشتی با ظرفیت ۲۳۰ میلیون و ۲۰۰ هزار و ۴۱۰ قطعه در هر دوره، ۴۰ واحد پرورش مرغ تخم گذار با ظرفیت ۴۴ هزار و ۲۵۰ قطعه، ۱۴ واحد پرواربندی گوسفند با ظرفیت ۶ هزار و ۹۰۰ رأس، ۶۲ واحد پرواربندی گوساله با ظرفیت ۷ هزار و ۹۰۰ رأس، ۳۰ واحد پرورش گاو شیری با ظرفیت ۲ هزار و ۳۸۹ رأس و یک هزار و ۲۹۹ مورد پرورش زنبور عسل در استان فعال است. ۳- شیلات: نوار کرانه ای این استان ۳۰۰ کیلومتر در کنار دریای عمان امتداد دارد. هر چند بخش بزرگی از فعالیت های اقتصادی در استان، به امور شیلات اختصاص یافته است و میزان تولید آبزیان (صید) توسط صیادان این استان سیر صعودی دارد. با این وجود هنوز از ظرفیت های این صنعت در استان، به صورت کامل بهره برداری نشده است. ۴- صنایع و معادن: در این استان، بخش صنعت نتوانسته است از رشد لازم برخوردار باشد و هر چند معادن پیداشده استان، شامل کانهای مس در شمال غربی زاهدان با ذخیره ای بیش از ۱۵ میلیون تن، معدن کرمیت در نواحی خاش و معدن های منگنز در ناحیه گوتیج است. ولی توانایی های بسیار بالقوه هنوز مراحل مطالعاتی را می گذرانند.

جدول ۱. مزیت‌های نسبی مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان به تفکیک بخش

استان	شهرستان	بخش	کشاورزی		صنعت و معین		خدمات	
			کشاورزی	صنعت و معین	خدمات	صنعت و معین	خدمات	
سیستان و بلوچستان	زاهدان	مرکزی						خدمات حمل و نقل ریلی با کشورهای خارجی
		کویرین						مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد
		میرجاوه						خدمات مرزی
	ایرانشهر	نصرت آباد						حمل و نقل و سبزرسانی
		مرکزی						بازارهای
		پژمان						گردشگری
	دلگان	بمبور						خدمات آموزشی و آموزشی عالی
		چالکه چاه هاشم						صنایع تبدیلی کشاورزی
		مرکزی						مواد و ذخایر معدنی
	چابهار	مرکزی						صنایع نسبی
		پلای						صنایع نسبی (در بخشهای
		دشتتاری						تکنولوژی، برق، مخابرات، صنایع چرم سازی و ...)
	کراک	زرآباد						صنایع و معادن نفت، گاز و پتروشیمی
		مرکزی						چنگل و مراتع
		مرکزی						نیلات، بر آبی پروزی
	خاش	ایرندگان						بناسلی پروزی اسب
		نوک آباد						پروزی گرم ابریس
		مرکزی						پروزی زبور مسل
	زابل	مرکزی						دنداری
		پشت آب						باهداری
		شیب آب						زرعت
	زهک	مرکزی						
		جزینک						
		مرکزی						
	سروان	بیم پشت						
		جاق						
		سید و سوران						
	زابل	مرکزی						
		آشار						
		مرکزی						
سرباز	پیشین							
	سرباز							
	یارود							
نیک شهر	مرکزی							
	بنت							
	قنوج							
هرمند	قصر قند							
	لاشار							
	قورقوی							

(Atlas of Deprived Areas, 2017: 215)

ظرفیت‌های ارتباطی و ترانزیتی استان سیستان و بلوچستان

الف) حمل و نقل دریایی: بیشترین حجم کالا، در زنجیره حمل و نقل کنونی جهان، از طریق دریاها صورت می‌گیرد. بزرگی دادوستد جهانی و گوناگونی نیازهای انسانی به کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی لزوم مبادله مواد اولیه و کالاهای ساخته شده را مطرح می‌سازد. از آنجاکه یکی از عناصر اصلی شکل دهنده‌ی بهای کالا، هزینه حمل آن است، به این دلیل هزینه حمل و نقل به عنوان یک عامل اساسی در گزینش نوع وسیله حمل و نقل مورد توجه قرار می‌گیرد. این عامل موجب اقبال بیشتر به سوی استفاده از حمل و نقل دریایی به عنوان ارزان‌ترین راه با بیشترین ظرفیت می‌گردد. در واقع هزینه حمل بار با هواپیما حدود ۴۸۰ برابر و با کامیون حدود ۱۵۰ برابر و با راه آهن ۲۲ برابر و با خط لوله حدود ۷ برابر و با کشتی‌های کوچک حدود ۵/۵ برابر هزینه‌های حمل بار با کشتی‌های بزرگ نظیر تانکرها و سوپر تانکرهاست (Hafiz Nia, 1992: 485). ایران با وجود دسترسی به آب‌های آزاد از سمت جنوب و موقعیت ویژه جنوب شرق در مبادی ورودی و خروجی به آب‌های آزاد، در این زمینه از توانایی‌های فوق‌العاده‌ای در استان سیستان و بلوچستان برخوردار است. کرانه‌های دریای عمان به دلیل دارا بودن کرانه‌های درخور، به ویژه در خلیج چابهار موقعیت نسبتاً خوبی جهت پهلو گرفتن کشتی‌های ظرفیت بالا برای اتصال حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی در پیرامون ایران با سیستم تجارت جهانی را فراهم می‌آورد (Ebrahimzadeh, 2010: 111). بندر چابهار به علت موقعیت استراتژیک و دستیابی به آب‌های آزاد بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای در مبادلات ایران با سایر کشورهای منطقه دارد. همچنین، این بندر به علت نزدیکی به کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان و آسیای میانه با اتصال به شبکه ریلی کشور اهمیت ویژه‌ای در ترانزیت کالا به این کشورها خواهد داشت. چابهار در مقایسه با دیگر مناطق ساحلی و جنوب ایران دارای موقعیت ممتازی در امر کشتیرانی و حمل و نقل دریایی است. وجود آب‌های عمیق در خلیج وسیع چابهار، شرایط مناسبی را برای پهلوگیری کشتی‌های بزرگ در این منطقه و ایجاد تأسیسات بندری با هزینه مناسب و صرفه اقتصادی فراهم کرده است. این بندر به عنوان مهم‌ترین بندر تجاری در خارج از خلیج فارس از نظر سیاسی و استراتژیک ملی در مواقع جنگ و بحران‌های منطقه‌ای، مجزا و نقطه‌ای کلیدی برای تنفس اقتصادی و بازرگانی خارجی کشور و ضمانتی برای گردش صنایع و فعالیت‌های اقتصادی آن محسوب می‌شود. قرار گرفته چابهار در یک خلیج، موقعیت بندری ایده آلی را برای توسعه فیزیکی آینده به آن می‌دهد که بسیاری از بنادر دنیا دارای این حسن نیستند (Abdullahi, 2012).

ب) حمل و نقل جاده‌ای: ارتباطات جاده‌ای به عنوان کامل‌کننده‌ی گذرگاه‌های آبی دریایی و همچنین شاهراه‌های ارتباط دهنده مکان‌های تجمع انسانی نقش برجسته‌ای را در توسعه مکان‌های جغرافیایی بر عهده دارد. حمل و نقل جاده‌ای متداول‌ترین بخش از حمل و نقل زمینی است، که از میدان فعالیت پهناوری در خشکی برخوردار است و به عنوان کامل‌کننده‌ی دیگر گونه‌های حمل و نقل، کالا و خدمات را در دسترس مصرف‌کننده نهایی قرار می‌دهد (Parsayan & et

al,1988). متأسفانه شبکه جاده‌ای جنوب شرق ایران، شامل تنها یک شبکه اصلی شمال- جنوب است که این شبکه نیز از توسعه کافی و مفید برخوردار نیست. در سال‌های اخیر مسیرهای ارتباطی جاده‌ای، توجه مسئولان را به خود جلب کرده است، از جمله طرح جاده مهم ترانزیتی است که طبق آن، این مسیر جاده‌ای از چابهار آغاز و از زابل گذشته و به خاک افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و... وارد می‌شود. این اقدام زیربنایی موجب رونق اقتصادی استان سیستان و بلوچستان خواهد شد. از سوی دیگر کشورهای افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و... به دریاهای آزاد دسترسی خواهند یافت.

ج) حمل و نقل ریلی: از میان سیستم‌های حمل و نقل، حمل و نقل ریلی به سبب ویژگی‌هایی همچون ایمنی مطلوب، امکانات مناسب در طول سفر و صرفه اقتصادی از اهمیتی خاص برخوردار است. ایجاد کریدورهای ریلی و اتصال آن به کشورهای همسایه و بنادر ایران بخشی از برنامه‌های استراتژیک اقتصادی است، که دستیابی و استفاده از ظرفیت‌های نهایی آن، سهم زیادی در توسعه ملی خواهد داشت، چراکه توسعه شبکه ارتباطی در محور شرق، سالانه حداقل درآمدی ۱۰۰ میلیارد ریالی را به ارمغان می‌آورد (Etelaat newspaper, 12 August 2003) ولی غفلت از این پروژه باعث انتقال آن به پاکستان می‌شود، که با احداث خط ریلی این کشور توسط چینی‌ها در منطقه «گوادر»، این فرصت طلایی از ایران گرفته خواهد شد. از سوی دیگر، شبکه ریلی اروپا- آسیا که از غرب تا کرمان و از شرق تا زاهدان است، محدوده‌ی کرمان- زاهدان، هنوز به صورت کارآمد پیوسته نگردیده است، که در صورت پیوند این شبکه‌ی ریلی قاره‌ای در این محدوده بسیار جزئی، موجب موقعیت ویژه شبکه ریلی ایران در سطح ملی و میان‌قاره‌ای خواهد شد و در صورت پیوند محور ریلی شمال- جنوب (مشهد- چابهار)، زاهدان به‌عنوان مهم‌ترین شهر این منطقه و مرکز استان نیز در چهارراه این شبکه استراتژیک قرار خواهد گرفت. پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد که خط ریل کرمان به زاهدان پیوند یافته است و طی برنامه‌ای نمادین توسط سازمان اقتصادی اکو مورد بهره‌برداری قرار گرفته است به گونه‌ای که هم‌اکنون در هر هفته سه روز قطار زاهدان - تهران نسبت به جابجایی بار و مسافر اقدام می‌نماید از سوی دیگر مطالعات فاز اول خط آهن چابهار - ایران شهر - خاش - زاهدان - بیرجند تمام شده و در آینده نزدیک عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد (Ebrahimzadeh, 2010: 121).

د) ارتباطات هوایی: ناحیه‌ی جنوب شرقی ایران با وجود دارا بودن موقعیت درخور برای دسترسی هواپیماهای کشورهای مختلف برای فرود و استفاده از خدمات، تاکنون فاقد فرودگاهی مجهز جهت ارائه این خدمات بوده و درآمدهای ناشی از این محل، به سایر کشورها نظیر امارات عربی متحده، همسایه جنوبی و پاکستان، همسایه جنوب شرقی ایران که دارای فرودگاهی بین‌المللی با امکانات مناسب هستند، منتقل می‌گردد. احداث فرودگاه مجهز با امکانات گسترده خدمات ناوبری می‌تواند جنوب شرق ایران (زاهدان و چابهار) را به یکی از سرپل‌های ارتباط میان‌قاره‌ای و بین‌المللی تبدیل

نماید. هم‌اکنون شهرستان‌های زاهدان، زابل، ایرانشهر و سراوان دارای فرودگاه است و فرودگاه زاهدان بین‌المللی است و خدمات‌دهی محدود به پروازهای خارجی دارد. چابهار فاقد فرودگاه عمومی (غیرنظامی) است که یکی از بازدارنده‌های ریشه‌ای توسعه است (Hafez Nia and Romina, 2005: 7-9).

ه) ارتباطات الکترونیکی

جنوب شرق ایران می‌تواند در احداث پروژه بزرگ فیبر نوری جهت مبادله پیام‌های تلفنی، مخابرات و غیره، که بخشی از پروژه ارتباطی بزرگ پیوند شرق و غرب اوراسیاست و از ۳۰ کشور جهان عبور خواهد کرد، جایگاه مهمی داشته باشد. این طرح منطقه‌ای ۱۱ هزار کیلومتری در مسیر شرق آسیا تا غرب اروپا را تحت پوشش قرار می‌دهد و «پل سرزمینی آسیا-اروپا» نام دارد. سیستان و بلوچستان در این زمینه بسیار خوب درخشیده است به گونه‌ای که کابل فیبر نوری به سرتاسر استان انتقال یافته و حتی در بازارچه‌های مرزی نیز امکان استفاده از فیبر نوری وجود دارد (Shamshirpanah, 2003: 64).

ظرفیت‌های چابهار؛ دروازه ورود ایران به دریای آزاد و تجارت جهانی

جمهوری اسلامی ایران در حوزه توسعه نیز، با ایجاد "دفتر توسعه محور شرق" از سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۶۶ و مطالعات انجام‌شده برای به‌کارگیری امکانات بالقوه سیستان و بلوچستان، در آمیزه‌ای از مشارکت‌های ملی و منطقه‌ای، محوری اساسی برای توسعه منطقه در افق درازمدت ایجاد کرد. مطالعات انجام‌شده در زمینه توسعه محور شرق نشان داد که "آماده‌ترین زمینه برای ایجاد تحرک در کل اقتصاد و اجتماع سیستان و بلوچستان و تسریع در ایجاد و تقویت پیوند ساختاری منطقه با سطح ملی (به‌عنوان یکی از ابعاد مهم استراتژی توسعه منطقه) بخش بازرگانی متکی بر مبادلات برون‌مرزی است و استفاده از امکانات و مزیت‌های نسبی بندر چابهار در این مهم نقش دگرگون‌ساز دارد" (Program and Budget Organization, 1988: J 71: 6).

یکی از طرح‌های مهم عمرانی استان، ایجاد منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار در منتهی‌الیه جنوب‌شرق‌وز ایران در کنار دریای عمان است. این منطقه در مسیر آبراه‌های بین‌المللی واقع شده و به‌عنوان پلی میان کشورهای عضو "ا.ک.و"، "آ.سه.آن" و سایر کشورهای جهان برای تولید، صادرات، مبادله و ترانزیت کالا است (Shabani, 2013: 123). این موضوع در مصوبه محور شرق در ۱۹ بهمن سال ۱۳۶۷، به تصویب هیئت دولت وقت رسید و بر اساس آن "ایجاد منطقه آزاد در بندر چابهار" به‌عنوان یک اقدام اساسی برای توسعه بخش بازرگانی، مورد تصریح قرار گرفت. در واقع با تأسیس منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار در استان سیستان و بلوچستان، روند دگرگونی و نوسازی در بلوچستان ایران آغاز و جهت زندگی و معیشت مردم بلوچ پس از چند سده فراموشی به لحاظ تاریخی شروع به تغییر کرده است.

وضعیت و موقعیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان

در مجموع هفت بازارچه مرزی فعال و سه بازارچه مرزی مصوب پیشنهادی و دو بازارچه مرزی در حال حاضر غیرفعال در استان وجود دارد، که بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی و در راستای اهداف گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده‌اند و یکی از اهداف آن‌ها رسمی و قانونی کردن مبادلات بین ایران و کشورهای همسایه (پاکستان و افغانستان) بوده است. از دیگر اهداف بازارچه‌ها ایجاد اشتغال برای مردم بومی و بالا بردن درآمد آنان از طریق تبادل کالاها، جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، حفظ ثبات و امنیت مرزی منطقه، همکاری با نیروی انتظامی و بهبود مسائل اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه را می‌توان عنوان کرد.

جدول ۲. وضعیت بازارچه‌های مرزی سیستان و بلوچستان

بازارچه مرزی												وضعیت		
پیشنهادی مصوب			غیرفعال			فعال								
نوع	نام	مکان	نوع	نام	مکان	نوع	نام	مکان	نوع	نام	مکان	نوع	نام	مکان
بازارچه	بازارچه	تنگستان	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه	بازارچه

ظرفیت‌های معادن استان سیستان و بلوچستان و پراکنش آن

یکی از ظرفیت‌های بی‌ظنیر سیستان و بلوچستان در حوزه معادن است. در حقیقت از این منظر این استان به‌عنوان رنگین‌کمان معادن ایران مطرح است که با فعال شدن می‌تواند به‌عنوان یکی از محورهای توسعه استان مطرح باشد. به عبارت بهتر، بخش معدن و ظرفیت‌های آن را می‌توان به‌عنوان یکی از پیشران‌های توسعه استان همواره مدنظر قرار داد. در جدول ۳ بخش‌هایی از مهم‌ترین معادن، نحوه پراکنش و نوع ماده استخراجی اشاره شده است.

جدول ۳. معدن و ظرفیت‌های معدنی

استان	شهرستان	بخش	نام معدن	نوع ماده استخراجی
سیستان و بلوچستان	ایران‌شهر	بزمان	چاه زرد	مرمر
		بمپور	مس گربودر بزمان	مس
		مرکزی ایران‌شهر	-	-
	چابهار	یلان	-	-
		دشتیاری	-	-

استان	شهرستان	بخش	نام معدن	نوع ماده استخراجی			
	خاش	مرکزی چابهار	-	-			
		ابرنندگان	طبس	سنگ لاشه			
		مرکزی خاش	-	-			
		شهمیرزاد	خرپشت	آهک و مارن			
			گرداک	بزولان			
			معدن کرومیت نوک آباد	کرومیت			
			مورتک	سنگ لاشه			
	دلگان	جلگه چاه چشم	-	-			
		مرکزی دلگان	مرکزی دلگان	-			
	زابل	پشت آب	پشت آب	کرومیت			
		شیب آب	شیب آب	-			
		مرکزی زابل	مرکزی زابل	-			
	زاهدان	کورین	میرجاوه	سپیدسنگ	کرومیت		
				چاه زرد	کرومیت		
میرجاوه			چاه هزار	کرومیت			
			بوگ	گرانیت			
			معدن سنگ گرانیت خیرآباد	گرانیت			
مرکزی زاهدان	مرکزی زاهدان		معدن مس لار				
			چشمه ربات				
			ملک سیاه کوه				
			ترشاب				
			چهار چاه				
			کاتس				
	نصرت آباد			دومک			
				چشمه رضایی			
				مکی			
				معدن مس چهل کوه			
				چاه رحمان			
				-	-	بم پشت	
				-	-	جالق	
-	-	مرکزی سراوان	سراوان				
-	-	جزینک	زهک				

استان	شهرستان	بخش	نام معدن	نوع ماده استخراجی
	سرباز	مرکزی زهک	-	-
		بارود	-	-
		پیشین	-	-
		سرباز	-	-
		مرکزی سرباز	-	-
سیب سوران		مرکزی سیب سوران	-	-
		هیدوج	-	-

(Atlas of Deprived Areas, 2017: 217).

تحلیلی بر جغرافیای اشتغال و بیکاری در استان سیستان و بلوچستان

نتایج به دست آمده از سرشماری‌های رسمی نشان می‌دهد شمار جمعیت فعال استان در سال ۱۳۵۷ برابر ۳۳۶ هزار و ۵۱۹ نفر و نرخ فعالیت در سال مذکور در سطح استان ۲۹/۸ درصد بوده است. در آن سال جمعیت شاغل در مناطق شهری استان ۱۴۶ هزار و ۳۷۸ نفر و در مناطق روستایی استان ۱۶۸ هزار و ۹۶۸ نفر بوده است. به بیان دیگر ۴۶۶ درصد از جمعیت شاغل استان در مناطق شهری و ۵۳/۶ درصد از کل جمعیت شاغل استان در مناطق روستایی بوده‌اند. بنابراین، نرخ بی‌کاری استان در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به ۹ درصد رسید و نرخ فعالیت به ترتیب ۲۹/۵ درصد و ۳۰/۱ درصد بوده است (Secretariat of the Social Council of the province, 2000: 24). البته در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور نرخ بیکاری ۱۸/۵ درصد ثبت شده است (Statistics Center of Iran, 2016: 191). به طور کلی عدم سرمایه‌گذاری مؤثر در گذشته و ذهنیت منفی در این رابطه، فقدان مشارکت مؤثر مردم استان در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی، تحریکات و ناامنی‌های استان، فضای انتظامی - امنیتی در بعضی از مواقع و سایر عوامل آشکار و پنهان باعث افزایش نرخ بیکاری در استان گردیده است در مجموع عواملی همچون: ضعف توان‌های محیطی استان، دوری از مرکز، قرار نداشتن در مسیر راه‌های ارتباطی اصلی شمال- جنوب کشور، همسایگی با نواحی فقیرنشین دو کشور فقیر افغانستان و پاکستان، پایین بودن ضریب امنیتی استان، طایفه محوری، نا برخورداری از توزیع فرصت‌ها در گستره ملی، اشتغال جمعیتی از لایه‌های اجتماعی استان در مقوله اقتصاد پنهان یا همان قاچاق مواد مخدر و کالا، مهاجرت به کشورهای عرب کرانه خلیج فارس بیکاری گسترده در سطح استان به ویژه ۴۵۰ هزار افغانی غیرمجاز از جمله مواردی است که کلیت امور اقتصادی استان را متأثر می‌سازند. همچنین با توجه به مجاورت استان با منطقه معروف به هلال طلایی که از گسترده‌ترین مناطق تولید مواد مخدر جهان به شمار می‌رود و همچنین نقش ایران به عنوان مسیر ترانزیت و بازار مصرف و نیز نقش گذرگاهی آن در ارتباط با ترانزیت مواد مخدر، جایگاه استان در این فرآیند بهتر آشکار می‌شود. برای نمونه، بیش از ۸۰ درصد مرفین

کشف شده در سال ۲۰۰۸ در سطح جهان، در ایران بوده است (Kaviani Rad, 2010: 234). از عوامل مؤثر در بالا بودن نرخ بیکاری استان، وجود بیش از ۴۵۰ هزار تبعه افغان در استان است که بیش از ۸۵ هزار فرصت شغلی پایدار را اشغال کرده‌اند. باین وجود بسیاری از نخبگان بلوچ سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی را تابعی از سیاست‌های کلان (قومی- مذهبی) می‌دانند و رفتار جمهوری اسلامی را در واگذاری پروژه‌های اقتصادی، تبعیض آمیز تلقی می‌کنند. البته در حال حاضر ۱۰٪ درآمد بلوچ‌ها از طریق بازارچه‌های مرزی، ۳۰٪ از طریق کشاورزی (ستی و نیمه ستی) ۳ تا ۵ درصد از طریق ورود سرمایه افرادی که خارج از کشور (پاکستان و کشورهای عربی کرانه خلیج فارس) مشغول کار هستند، تأمین می‌شود. بخشی از درآمد آن‌ها نیز از امور خدماتی و اداری و درصد بیشتر باقی مانده، حاصل قاچاق سوخت و مواد مخدر است. این در حالی است که منابع غیررسمی و محلی بیش از ۲۶ درصد درآمد بلوچ‌ها (در مناطق مرزی) را از قاچاق مواد مخدر (خرید، ترانزیت، توزیع و ...) می‌دانند. در استان، مواد مخدر فقط یک منبع درآمد یا راهی برای تأمین معیشت نیست، بلکه ابزار قدرت است که از طریق آن استان توانسته است فاصله اقتصادی خود را با مرکز حفظ کند. نتیجه آنکه تاکنون حکومت نتوانسته است با ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، بلوچستان را به بدنه اقتصادی ملی پیوند دهد که پیامد آن شکل‌گیری اقتصادی پنهان، مزاحم و زائد بر کلیت اقتصادی کشور بوده است (Shabani, 2013: 101).

قاچاق: (سوخت، کالا، مواد مخدر)؛ دلایل شکل‌گیری اقتصاد پنهان در جغرافیای سیستان و بلوچستان

موقعیت جغرافیایی، استان سیستان و بلوچستان و وجود بستر درخور طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متأثر از آن، زمینه شکل‌گیری فعالیت‌های بازرگانی غیررسمی (غیرقانونی) را از خارج به داخل و بالعکس تسهیل و مهیا ساخته است. گستردگی مرزهای آبی و خشکی استان در کنار عوامل دیگر چون فقدان فرصت‌های شغلی، فقدان سرمایه‌گذاری مولد، پراکندگی جمعیت، ضعف‌های ناشی از عدم گسترش ضعف و غیره، موجب گردیده تا تجارت زیرزمینی به یک فعالیت رایج اقتصادی در این استان تبدیل شود. عمده‌ترین محصول نفتی که از استان خارج می‌شود ابتدا گازوئیل و سپس بنزین است. قاچاق سوخت در مرزهای شرقی کشور خصوصاً مناطق مرزی افغانستان و پاکستان رونق بیشتری دارد، به طوری که بخش اعظم نیاز سوختی افغانستان و حدود ۲۰٪ نیاز سوختی پاکستان (بر اساس گزارش‌های غیررسمی) از طریق قاچاق سوخت ایران تأمین می‌شود. امروزه گستره پدیده قاچاق در استان به حدی است که هرگونه تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری در استان به‌ویژه در بخش بازرگانی بدون توجه به این پدیده، اقدامی غیرمنطقی خواهد بود. به‌طور کلی علل و عوامل زمینه‌ساز پیدایش قاچاق کالا در این استان، به شرح زیر است:

- ۱- موقعیت جغرافیایی و نیاز شدید کشورهای هم‌جوار. ۲- خصلت‌های عشیره‌ای استان به‌ویژه در مناطق مرزی. ۳- جنگ‌های داخلی افغانستان و مهاجرت افغان‌ها به ایران. ۴- پیامدهای جنگ ایران و عراق و ناامنی‌های استان. ۵- فقر شدید

زمینه‌های اشتغال و فرصت‌های شغلی در سطح منطقه ۶- مسائل، مشکلات و ناهماهنگی‌ها در مبارزه با قاچاق کالا (Ebrahimzadeh, 2009: 286) ۷- ارزان بودن انواع سوخت در مقایسه با قیمت بالای آن در کشورهای نیازمند.

افزون بر محورهای بالا، موارد زیر را می‌توان به عوامل مؤثر در قاچاق کالا افزود:

وجود بندر چابهار و مرزهای باز با پاکستان و افغانستان ۲- طبیعت معیشت مرزنشین در کشورهای جهان سوم ۳- اختلاف بهای کالا در دو سوی مرز به‌مانند کشش کالاهای چینی در داخل و قیمت چند برابری سود ۴- دوری استان از مرکز، به‌ویژه مراکز اقتصادی فعال.

تحلیل آماری از وضعیت توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۹۵)

جداول و ارزیابی آماری زیر بیانگر نوعی تبعیض و نابرابری کشوری نسبت به استان سیستان و بلوچستان است. در این بخش وضعیت توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان نسبت به دیگر استان‌های کشور در دوره‌های ده‌ساله ورد بررسی قرار می‌گیرد. در حقیقت رصد و پایش شاخص‌های توسعه استان‌ها که هر ساله توسط سازمان برنامه‌بودجه منتشر می‌شود به همراه پژوهش‌ها و تحقیقات مختلفی که به رتبه‌بندی شاخص‌های توسعه‌یافتگی استان پرداخته‌اند ملاک عمل خواهد بود. همان‌طور که جدول‌های ۴ تا ۷ نشان می‌دهد استان سیستان و بلوچستان همواره در رتبه‌بندی‌های جز سه استان آخر بوده است.

جدول ۴. ترتیب توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌های ایران از لحاظ متغیرهای اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی در سال ۱۳۶۵

ترتیب توسعه‌یافتگی استان‌ها با معیارهای مختلف در سال ۱۳۶۵				
ردیف	متغیرهای اجتماعی	متغیرهای اقتصادی	متغیرهای فرهنگی	کل متغیرها (معدل)
۱	اصفهان	اصفهان	سمنان	اصفهان
۲	سمنان	سمنان	اصفهان	تهران
۳	تهران	تهران	یزد	سمنان
۴	یزد	مرکزی	تهران	یزد
۵	مرکزی	یزد	مرکزی	آذربایجان شرقی
۶	آذربایجان شرقی	فارس	آذربایجان شرقی	مرکزی
۷	فارس	آذربایجان شرقی	فارس	گیلان
۸	گیلان	گیلان	خراسان	مازندران
۱۸	کهگیلویه و بویر احمد	لرستان	سیستان و بلوچستان	بوشهر
۱۹	هرمزگان	کهگیلویه و بویر احمد	هرمزگان	هرمزگان
۲۰	لرستان	کرمانشاه	کهگیلویه و بویر احمد	لرستان

ترتیب توسعه‌یافتگی استان‌ها با معیارهای مختلف در سال ۱۳۶۵				
ردیف	متغیرهای اجتماعی	متغیرهای اقتصادی	متغیرهای فرهنگی	کل متغیرها(معدل)
۲۱	سیستان و بلوچستان	هرمزگان	لرستان	کرمانشاه
۲۲	کرمانشاه	ایلام	کردستان	سیستان و بلوچستان
۲۳	کردستان	کردستان	ایلام	کردستان
۲۴	ایلام	سیستان و بلوچستان	کرمانشاه	ایلام

جدول ۵. ترتیب توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌های ایران از لحاظ متغیرهای اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی در سال ۱۳۷۵

ترتیب توسعه‌یافتگی استان‌ها با معیارهای مختلف در سال ۱۳۷۵				
ردیف	اجتماعی	متغیرهای اقتصادی	متغیر فرهنگی	کل متغیرها
۱	سمنان	تهران	سمنان	سمنان
۲	یزد	اصفهان	مرکزی	یزد
۳	مرکزی	سمنان	یزد	مرکزی
۴	اصفهان	یزد	آذربایجان شرقی	اصفهان
۵	تهران	آذربایجان شرقی	اصفهان	تهران
۶	آذربایجان شرقی	فارس	کرمان	گیلان
۷	کرمان	گیلان	تهران	آذربایجان شرقی
۸	گیلان	کرمان	فارس	کرمان
۱۸	کردستان	هرمزگان	زنجان	کردستان
۱۹	کهگیلویه	کرمانشاه	کهگیلویه	لرستان
۲۰	لرستان	بوشهر	کردستان	کهگیلویه
۲۱	هرمزگان	لرستان	سیستان و بلوچستان	کرمانشاه
۲۲	سیستان و بلوچستان	کهگیلویه	لرستان	سیستان و بلوچستان
۳۳	کرمانشاه	ایلام	ایلام	هرمزگان
۳۴	ایلام	سیستان و بلوچستان	کرمانشاه	ایلام

هرچند ارائه خدمات دولت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و غیره در سه دهه پس از انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان، ۱۸ برابر شده است و در سنجش با بلوچستان پاکستان در حد غیرقابل مقایسه‌ای است، اما آهنگ حرکت توسعه، همگام با دیگر استان‌های کشور نیست و جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته را نمی‌کند. بر اساس نتایج حاصله از آمارها، استان سیستان و بلوچستان در میان ۳۱ استان کشور در پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی قرار دارد. عامل

عقب‌ماندگی از دیگر استان‌ها در توسعه به همراه دیگر عوامل، موجب شده‌اند که بلوچ‌ها خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک بدانند (Etat, 2010: 85). لذا باید اذعان داشت که دوری این استان از مرکز، عامل موثری در محرومیت استان است و این مسئله در مقایسه‌های آماری به‌خوبی نمایان است. نکته قابل توجه اینکه بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (شاخص فرهنگی: ۲۳۱؛ شاخص اقتصادی: ۶۱؛ شاخص اجتماعی: ۵۷)، در فاصله سال‌های ۶۵ تا ۹۵ نشان می‌دهد که وضعیت استان‌های قومی کشور از نظر احراز رتبه توسعه‌یافتگی با استان‌های برخوردار کشور به‌صورت معنی‌دار اختلاف دارد و در برخی شاخص‌ها استان‌های قومی به‌ویژه مناطق مرزی از جمله سیستان و بلوچستان پایین‌ترین رتبه را در جدول رتبه‌بندی استان‌ها دارند. این وضعیت در عمل به برآمدن تقاضاهای قومی از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به بعد سیاسی کمک کرده و موجب تبدیل اقلیت مذهبی به اقلیت گرای مذهبی شده است. حوادث امنیتی در سال‌های اخیر در استان گویای این مطلب است که بر آسیب اجتماعی محرومیت اقتصادی و... استان سیستان و بلوچستان، تهدید بیرونی سوار شده است.

جدول ۶. ترتیب توسعه‌یافتگی استان‌های کشور به لحاظ اقتصادی در سال ۱۳۸۵

رتبه	استان	رتبه	استان	رتبه	استان
۱	تهران	۱۱	زنجان	۲۱	کرمانشاه
۲	یزد	۱۲	اصفهان	۲۲	گلستان
۳	آذربایجان شرقی	۱۳	فارس	۲۳	ایلام
۴	خوزستان	۱۴	خراسان جنوبی	۲۴	بوشهر
۵	خراسان رضوی	۱۵	همدان	۲۵	لرستان
۶	کرمان	۱۶	مرکزی	۲۶	هرمزگان
۷	مازندران	۱۷	اردبیل	۲۷	خراسان شمالی
۸	کهگیلویه و بویر احمد	۱۸	گیلان	۲۸	کردستان
۹	چهارمحال و بختیاری	۱۹	آذربایجان غربی	۲۹	قم
۱۰	سمنان	۲۰	قزوین	۳۰	سیستان و بلوچستان

منبع: (Mir Ghafouri, 2006: 14).

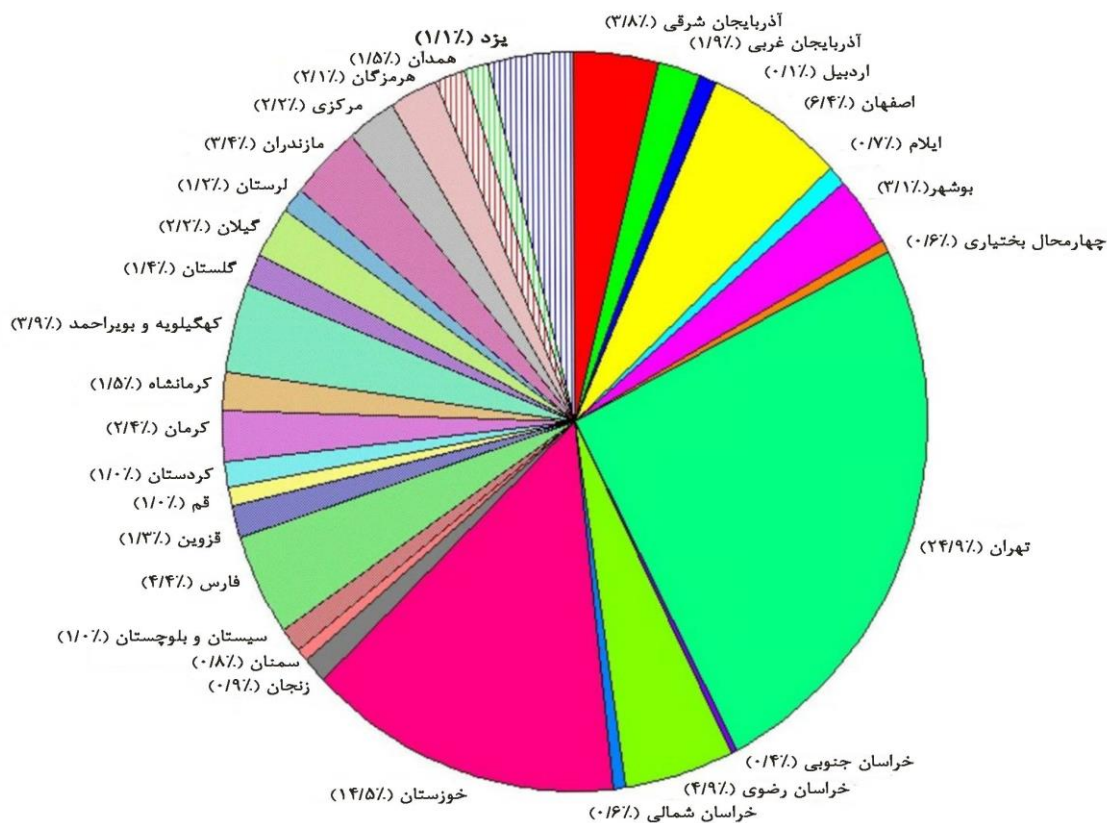
جدول ۷. رتبه‌بندی استان‌های کشور به روش تأسیس (بر اساس داده‌های سال ۱۳۹۵)

رتبه	استان	رتبه	استان	رتبه	استان
۱	سمنان	۱۱	آذربایجان شرقی	۲۱	کهگیلویه و بویر احمد
۲	یزد	۱۲	گیلان	۲۲	کرمانشاه
۳	تهران	۱۳	مازندران	۲۳	کردستان

استان	رتبه	استان	رتبه	استان	رتبه
گلستان	۲۴	چهارمحال و بختیاری	۱۴	قزوین	۴
خراسان رضوی	۲۵	ایلام	۱۵	مرکزی	۵
لرستان	۲۶	خوزستان	۱۶	اصفهان	۶
اردبیل	۲۷	هرمزگان	۱۷	همدان	۷
خراسان شمالی	۲۸	زنجان	۱۸	بوشهر	۸
کرمان	۲۹	البرز	۱۹	فارس	۹
آذربایجان غربی	۳۰	قم	۲۰	خراسان جنوبی	۱۰
سیستان و بلوچستان	۳۱				

منبع: (Azkia, 2016: 326).

سهم استان های ایران از نظر تولید ناخالص داخلی



شکل ۳. سهم استان سیستان و بلوچستان از GDP (تولید ناخالص داخلی)

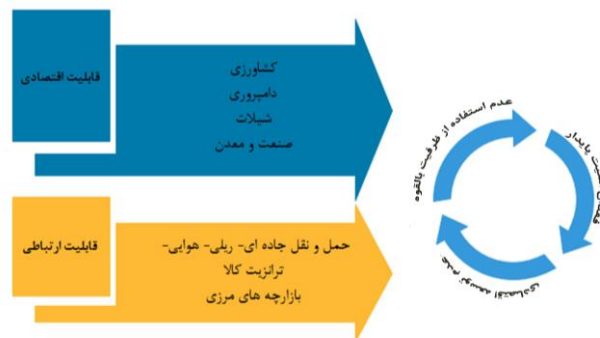
جدول ۸ قابلیت‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان

قابلیت‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان
- موقعیت جغرافیایی ممتاز (مرزهای ساحلی) جهت توسعه و ارتباط با کشورهای پاکستان، افغانستان و کشورهای آسیای میانه
- استقرار در محور ترانزیتی کریدور زاهدان - کرمان و جنوب شرق به شمال شرق (تکمیل احداث راه‌آهن جاده ابریشم)
- وجود قابلیت‌های معدنی سنگ ساختمانی، سنگ‌آهن و کانی‌های فلزی و غیرفلزی،
- هم‌جواری با کشور افغانستان و پاکستان و فراهم بودن زمینه صادرات کالا و وجود گمرک و بازارچه‌های مرزی
- استعداد فوق‌العاده کشاورزی با توجه به تنوع آب و هوایی به‌ویژه فرآورده‌های مناطق حاره‌ای از قبیل انبه، موز، آناناس، نارگیل و... به‌ویژه منطقه زرآباد چابهار
- وجود توانمندی‌های بالا در زمینه فعالیت‌های آبی‌پروری با توجه به دسترسی به دریاچه‌ها و آب‌های آزاد بندر بین‌المللی چابهار و دسترسی به آب‌های آزاد و اقیانوس، که در کشور منحصر به فرد است
- وجود قابلیت فرودگاهی و حمل و نقل هوایی - زمینی و دریایی
- موقعیت ارتباطی استان به‌عنوان پل ارتباطی آسیای میانه و خلیج فارس و اقیانوس هند و همچنین موقعیت ارتباطی بر سر راه، راه‌آهن سراسری آسیا به اروپا و احیاء جاده استراتژیکی ابریشم یکی از ظرفیت‌های استان است.
- وجود قابلیت‌های بندری (اسکله شهید بهشتی و شهید کاظمی) با ظرفیت تخلیه و بارگیری سالانه ۲/۵ میلیون تن کالا.
- قابلیت‌های بخش شیلات در استان، که ظرفیت دو برابری با توجه به هم‌مرزی با دریای عمان دارد
- چهار فصل بودن استان با توجه به عرض جغرافیایی آن و وجود زمین‌های لازم جهت گسترش فعالیت‌های کشاورزی و بهره‌مندی خورشیدی در طول سال و استفاده از انرژی بادی به‌ویژه بادهای ۱۲۰ روزه سیستان

نتیجه‌گیری

عدم وجود زیرساخت‌های توسعه در استان و فعالیت‌های ضعیف در حوزه اقتصادی در بخش کشاورزی، به‌ویژه در بخش صنعت و معدن استان مردم منطقه را بیگانه با تولید معرفی کرده است. دوری استان از مراکز اقتصادی فعال، کم‌رنگ بودن نقش استان در اقتصاد ملی و پایین بودن سطح و نرخ تولید در استان، همسایگی با هلال طلایی مواد مخدر و ... فقر و بیکاری را در استان افزایش داده و سبب گرایش مردم و جوانان به سوی اقتصاد پنهان و زیرزمینی شده است که فساد در آن به‌خوبی نمایان است. از سوی دیگر فعال شدن ظرفیت‌های تجاری در استان (بندر چابهار و راه‌های تجاری در استان) تنها محور اقتصادی بالقوه استان را نیز به شرایط بهره‌وری مطلوب نرسانده است. بلکه در غیبت رونق تولید اقتصادی و فعالیت‌های تجاری، فعالیت‌هایی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق انرژی، قاچاق کالا، و... رشد قابل توجهی یافته و بخشی از مردم مسیرهای غیرقانونی کوتاه و سریع کسب ثروت را به مسیرهای قانونی، طولانی و سخت کسب ثروت ترجیح می‌دهند. این مسئله نه تنها باعث بروز برخی ناامنی‌ها در سطح استان شده است، بلکه ناامنی‌ها را به سایر استان‌ها به‌ویژه استان‌های هم‌جوار نیز سرایت داده است. البته در سالیان اخیر پیشرفت‌های در حوزه‌های اقتصادی نیز انجام شده است نمونه آن افزایش ظرفیت بندر شهید بهشتی در امر صادرات است. با وجود ظرفیت‌های بالقوه و قابل توجه در استان

سیستان و بلوچستان، عدم توسعه زیرساخت‌ها و عدم بالفعل سازی این ظرفیت‌ها در راستای حل مشکلات مربوط به بیکاری و ایجاد امنیت اقتصادی سبب عدم توسعه مکفی منطقه شده است. در این تحقیق ظرفیت‌های بالقوه استان تحلیل شده و رتبه استان در ارتباط با این ظرفیت‌ها در مقایسه با سایر استان‌های ایران ذکر شده است. متأسفانه استان سیستان و بلوچستان موقعیت ضعیفی را نسبت به سایر استان‌ها نشان می‌دهد. عدم توجه به قابلیت‌های یک سرزمین برای حل مشکلات و تقویت زیرساخت‌ها سبب جهت‌دهی به فقر، بیکاری، ارائه گزینه‌های اقتصادی کاذب و نامناسب به مردم برای گذراندن معیشت و در نتیجه ضعف امنیت پایدار در منطقه می‌شود. با توجه به تعامل دوجانبه میان امنیت پایدار و توسعه اقتصادی، تقویت و ضعف هر یک از این دو، منجر به تقویت و یا ضعف دیگری می‌شود. در استان سیستان و بلوچستان، عدم توسعه اقتصادی سبب اختلال در امنیت پایدار منطقه شده است. عدم وجود امنیت پایدار نیز امری است که سبب از بین رفتن اطمینان و امنیت اقتصادی در منطقه می‌شود و تمایل برای سرمایه‌گذاری و تجارت در این منطقه چه در مقیاس داخلی و چه در مقیاس خارجی کاهش می‌یابد (شکل ۴).



شکل ۴. مدل مفهومی ارتباط قابلیت‌های بالقوه استان با عدم وجود امنیت پایدار

کتابنامه

1. Abdollahi. A. (2012). *The role of Makran beaches in regional security and national security and strategies for the optimal use of these beaches*. The first national conference on the development of Makran beaches and maritime authority of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
2. Asghari. M. (2016). National Security and Economic Growth. *Iran. Econ. Rev.* 21(4), 905-924. [In Persian]
3. Azkia, M. & et al.(2016). Sociological Analysis of Development and Inequality in Iran. *Quarterly Journal of Sociological Studies*, 27(1), 315-338.[In Persian]
4. Buzan, B., Weaver, O., & Wilde. J.D. (1996). *Security: A New Framework for Analysis*. London: Lynne Reinner Publishers.

5. Chang, D.Y.(1996). Applications of the Extent Analysis Method on Fuzzy AHP. *European, Journal of Operational Research*. 95(3): 649-655.
6. Ebrahimzadeh. I. (2009). *Geographical Foundations of Southeastern Iran*. Tehran, Publications of the Institute of Earth Sciences and Geography, University of Sistan and Baluchestan. [In Persian]
7. Ebrahimzadeh. I. (2010). *Land Management and Environmental Planning in Southeastern Iran*. Tehran, Etelaat Institute Publications. [In Persian]
8. Etelaat newspaper, August 3, 2003. [In Persian]
9. Etesami. M., Naroeei, M., & Sahabi. B. (2016). *A Study of Factors Affecting Poverty in Sistan and Baluchistan Province with Emphasis on the Necessity of Poverty Eradication in Islam*. International Congress of Humanities and Islamic Sciences. Tehran. [In Persian]
10. Granit. J. (2015). *Integrating sustainable development and security: An analytical approach with examples from the Middle East and North Africa, the Arctic and Central Asia*, Stockholm, Environment Institute, Working paper, No. 4.
11. Griffin. K.(2003). *Economic Development Strategies*.(H. Raghfar & M.H. Hashemi, Trans.). Ney Publishing. [In Persian]
12. Hafez Nia, M.R., & Romina, E. (2005). Analysis of the geopolitical capacities of the southeastern coasts of Iran in the direction of national interests. *Quarterly of Geography and Development*, 3(6), 5-20.[In Persian]
13. Haller, A. (2012). *Concepts of economic growth and development*. Challenges of crisis and of knowledge, Growth and Degrowth in Europe.
14. Holmes. K.R.(2015). *What is national security*. heritage foundation. [https://www.heritage.org/sites/default/files/2019-10/2015_indexofusmilitarystrength_What % 20Is% 20National% 20Security.pdf](https://www.heritage.org/sites/default/files/2019-10/2015_indexofusmilitarystrength_What%20Is%20National%20Security.pdf)
15. Ismail Nia, A., & Esfestani, Sh.(2016). The Impact of Security on Economic Growth in Iran and Some Selected Countries. *Quarterly of Economic Research*, No. 61, pp. 127-154. [In Persian]
16. Kane. M.(2004). *Public-Sector Economic Development: Concepts and Approaches*, Northeast-Midwest Institute Report, Northeast-Midwest Institute: The Center for Regional Policy.
17. Karov. B.(2018). *The connection between security, development and globalization*. International Politics And Country Analyses.
18. Kaviani Rad. M.(2010). *New Horizons in Political Geography*. Tehran: Samt Publications, Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books. [In Persian]
19. Mir Najaf. A.(2013). Assessing the Role of Common Border Markets in the Development and Welfare of Border Areas Case: Piranshahr Tamarchin Border Market. *Quarterly of Geography and Development*, No. 33. [In Persian]
20. Möbjörk, M., Eriksson, M., & Carlsen, H.(2010). *On Connecting Climate Change with Security and Armed Conflict*. FOI-R--3021--SE. Swedish Defence Research Agency, Stockholm. http://www.foi.se/reportfiles/foir_3021.pdf.
21. Portal of Sistan and Baluchistan Province(2016). <https://www.sbportal.ir/>, [In Persian]
22. Program and Budget Organization,(1988). Program and Budget Organization, Center for Socio-Economic Documents. First Edition, Zahedan: Center for Economic, Social and Publications. [In Persian]

23. Publishing and Information Office of Sistan and Baluchistan Province (2011). Reconstruction and estimation of the population of the cities of Sistan and Baluchistan province based on the year. Zahedan: Publishing and Information Office of Sistan and Baluchistan Province. [In Persian]
24. Retter, L., Frinking, E., Hoorens, S., Lynch, A., Nederveen, F., & Philips, W. (2020). *Relationship between the economy and national security*. Santa Monica, Calif., and Cambridge: RAND Corporation,
25. Sadeghi, A., & Saeedi Aghdam, M. (2014). Underdevelopment of Iran's economy from the perspective of experts using a combination of trial and error decision making and fuzzy network analysis process. *Quarterly Journal of Economic Progress Policy*, 2(4), 117-156. [In Persian]
26. Salehi Amiri, R. (2006). *Ethnic Conflict Management in Iran*. Tehran: Strategic Research Center, Vice Chancellor for Cultural and Social Research. [In Persian]
27. Schneider, W., & Shiffirin, R.M. (1977). Controlled and Automatic Human Information Processing. *Psychological Review*, 84(1).
28. Shabani, N. (2013). *Security Strategy of Sistan and Baluchistan Province*, PhD Thesis, Tehran, University of Imam Hossein. [In Persian]